

تعیین مقر در روش‌های جایگزین برخط حل اختلاف

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۹

سید علیرضا رضایی^۱

رضا معبودی نیشابوری^۲

اعظم انصاری^۳

عبدالله خدابخشی شلمزاری^۴

چکیده

با توجه به توسعه تجارت الکترونیکی و انجام بخش اعظم فعالیت‌های روزانه اشخاص در فضای مجازی، امروزه روش‌های برخط حل اختلاف توانسته است جایگاه قابل قبولی را پیدا کند. یکی از ابهاماتی که در مورد روش‌های برخط حل اختلاف وجود دارد، تعیین مقر است. اصولاً تصمیم‌گیری در خصوص بسیاری از مسائل مهم در فرایند رسیدگی به دعوا، از طریق رجوع به مقررات قانونی مقر حل اختلاف صورت می‌گیرد، اما به دلیل نبود مکان‌های مرتبط در روش‌های برخط حل اختلاف، نحوه تعیین مقر، محل تردید است. در پژوهش حاضر مطالب یادشده به این شرح مورد بررسی قرار گرفته است: «رویکرد مکان‌زدایی از روش‌های برخط حل اختلاف»، «تعیین مقر در میانجیگری برخط»، «تعیین مقر در داوری برخط» و «تعیین مقر در مذاکره برخط». در نهایت، نگارندگان مقاله حاضر به این نتیجه دست یافته‌اند که حسب اصل مکان‌زدایی، در صورت انتخاب مقر از سوی طرفین حل اختلاف برخط، مقر انتخابی ملاک است. در صورت عدم انتخاب مقر از جانب طرفین دعا در داوری برخط، معیارهای مناسب بودن مقر از لحاظ حقوقی، قانون شکلی حاکم و دادگاه صالح انتخابی می‌توانند جهت تعیین مقر استفاده شوند، اما در میانجیگری برخط و مذاکره برخط به دلیل فقدان اثر حقوقی، تعیین مقر حل اختلاف برخط ضرورتی ندارد.

واژگان کلیدی: حل اختلاف برخط، داوری برخط، دعاوی اینترنتی، مذاکره برخط، میانجیگری برخط.

۱. alirezarezaee4771@mail.um.ac.ir

۲. maboudi@um.ac.ir

۳. aansari@um.ac.ir

۴. dr_khodabakhshi@ferdowsi.um.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

۲. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

۴. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

مقدمه

روش‌های برخط حل اختلاف بستری را فراهم نموده که فرایند شیوه‌های سنتی حل اختلاف با استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی و اینترنتی، سریع‌تر، ارزان‌تر و با دسترسی بیشتر انجام شوند. روش‌های برخط حل اختلاف، دارای انواع و اقسامی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: داوری برخط، میانجیگری برخط، و مذاکره برخط.

استفاده از اینترنت و فضای مجازی در روش‌های حل اختلاف یادشده، باعث ایجاد اوصافی خاص و وضعیت‌های ویژه در فرایند رسیدگی به دعوا می‌شود. یکی از این ویژگی‌ها، دشوار بودن تعیین مقر در روش‌های برخط حل اختلاف است. برخلاف حل اختلاف سنتی، زمانی که طرفین برای حل اختلاف خود از اینترنت استفاده می‌کنند، تعیین محل تشکیل جلسات رسیدگی و انتساب فرایند رسیدگی دعوا به کشوری خاص امکان‌پذیر نیست. این وضعیت، درحالی است که در برخی روش‌های برخط حل اختلاف، تعیین مقر دارای آثار حقوقی بسیار مهمی مثل تعیین قانون حاکم بر موافقت‌نامه حل اختلاف، تعیین قانون حاکم بر آیین رسیدگی به دعوا و تعیین قانون حاکم بر ماهیت دعوا است.

عموماً طرفین دعوا در موافقت‌نامه ارجاع دعوا به روش‌های حل اختلاف معین، مقر حل اختلاف را تعیین می‌کنند. اعتبار چنین توافقی در روش‌های برخط حل اختلاف محل تردید است، زیرا روش‌های یادشده به هیچ کشوری منتسب نیستند و درواقع به احتمال زیاد طرفین دعوا مقررات کشوری را به‌عنوان مقر انتخاب می‌نمایند که آن کشور هیچ ارتباطی با فرایند حل اختلاف ندارد. چنین تردیدی در شیوه‌های حل اختلاف سنتی نیز وجود دارد و مربوط به وضعیتی است که طرفین دعوا کشوری را به‌عنوان مقر انتخاب می‌نمایند که محل تشکیل جلسات رسیدگی و اجرای فرایند رسیدگی به دعوا نیست. لذا در مجموع باید وضعیت حقوقی و اعتبار انتخاب مقر در روش‌های برخط حل اختلاف از سوی طرفین دعوا مشخص شود.

ابهامات در خصوص تعیین مقر در روش‌های برخط حل اختلاف، در صورت سکوت طرفین و عدم انتخاب مقر از سوی اشخاص یادشده بیشتر می‌شود. در این صورت، مقام رسیدگی‌کننده یا ثالث باید مقر حل اختلاف را تعیین کند، اما معیاری که وی باید مد نظر

داشته باشد، محل تردید و سؤال است. برای مثال، ممکن است طرفین دعوا در کشور «الف» و «ب» اقامت داشته باشند؛ مقام رسیدگی‌کننده نیز در کشور «ج» فرایند دعوا را کنترل نماید و موضوع دعوا مربوط به کشور «د» و محل استقرار سرورهای مورد استفاده طرفین در کشور «ه» باشد. در این صورت، نحوه تعیین مقر و معیار آن، محل سؤال است. درحالی که در شیوه‌های سنتی حل اختلاف، اغلب می‌توان محل تشکیل جلسات رسیدگی را به‌عنوان مقر انتخاب نمود؛ اگرچه امکان تفاوت مقر منتخب طرفین با محل واقعی تشکیل جلسات رسیدگی منتفی نیست.

پژوهش حاضر مسئله تعیین مقر را در روش‌های جایگزین برخط مورد مطالعه قرار می‌دهد. با اینکه دادگاه فرایند حل اختلاف را از طریق ابزار الکترونیکی و در فضای مجازی به‌انجام می‌رساند، بدیهی است که در فرایند دادرسی قضایی، مقر دادرسی در همه موارد، همان کشور مقر دادگاه رسیدگی‌کننده است. لذا استفاده از ابزار الکترونیکی در فرایند رسیدگی قضایی، تفاوتی در اعمال مقررات مقر مرجع رسیدگی‌کننده بر دعوی مطروحه ایجاد نمی‌کند؛ با این توضیح که در دادرسی برخط، مقر حل اختلاف واجد تأثیر است، اما نحوه تعیین مقر ابهام خاصی ندارد، زیرا در رسیدگی قضایی، دادرس موظف به تبعیت از قوانین مقر خود است و در دادرسی برخط نیز مقر همواره مقررات کشور دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوا خواهد بود. در نتیجه، در دادرسی‌های برخط، همواره مقر دعوا همان کشور مرجع رسیدگی‌کننده است و ابهام خاصی در آن وجود ندارد.

روش‌های جایگزین برخط حل اختلاف انواع و اقسام مختلف و متنوعی دارد، اما پژوهش حاضر موضوع تعیین مقر را تنها در برخی از روش‌های یادشده بررسی می‌نماید، زیرا اولاً اکثر روش‌های جایگزین برخط حل اختلاف، مبتنی بر توافق طرفین بوده و درباره آنها مقررات خاصی وضع نشده است؛ ثانیاً در اکثر موارد، مقر داوری زمانی اهمیت می‌یابد که امکان اعتراض به سند حل اختلاف یا اجرای آن وفق اسناد بین‌المللی امکان‌پذیر باشد؛ ثالثاً به‌نظر می‌رسد که با توجه به رویکرد مکان‌زدایی از روش‌های برخط حل اختلاف، اصولاً در هیچ‌یک از روش‌های یادشده نیازی به تعیین مقر وجود ندارد، مگر آنکه ضرورتی قانونی ایجاد کند. برای مثال، تعیین مقر در داوری برخط باید مورد مطالعه قرار گیرد، زیرا جهت شمول کنوانسیون نیویورک بر آرای داوری برخط، تعیین مقر ضروری است. لذا اهمیت

تعیین مقر در داوری برخط و میانجیگری برخط از آن جهت است که اسناد بین‌المللی (کنوانسیون نیویورک و کنوانسیون سنگاپور) امکان اجرای فرامرزی نتایج این‌گونه روش‌های حل اختلاف را فراهم نموده‌اند. همچنین تعیین مقر در مذاکره برخط نیز با توجه به شباهت‌های آن با میانجیگری برخط شایسته بررسی است.

در نتیجه، نخست باید به این سؤال پاسخ داده شود که با توجه به غیرمادی بودن روش‌های برخط حل اختلاف، آیا ایجاد ارتباط میان آنها با یک مکان یا نظام حقوقی خاص ضرورت دارد؟ سپس تعیین مقر در برخی روش‌های برخط حل اختلاف بررسی می‌شود. این موضوعات در مباحث زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد: «رویکرد مکان‌زدایی از روش‌های برخط حل اختلاف»، «تعیین مقر در میانجیگری برخط»، «تعیین مقر در داوری برخط» و «تعیین مقر در مذاکره برخط».

۱. رویکرد مکان‌زدایی از روش‌های برخط حل اختلاف

تعیین مقر در روش‌های جایگزین حل اختلاف، در اکثر موارد از سوی خود طرفین دعوا صورت می‌گیرد و چنین انتخابی در بسیاری از مقررات^۵ به رسمیت شناخته شده است. مهم‌ترین مسئله، اعتبار مقر انتخابی طرفین در صورت فقدان ارتباط مقر انتخابی با فرایند روش حل اختلاف است.

وفق نظریه مکان‌زدایی از شیوه‌های جایگزین حل اختلاف، انتخاب مقری که فاقد هرگونه ارتباطی با دعوا باشد، معتبر است. نظریه یادشده دارای دو مفهوم است: ۱- مفهوم مطلق مکان‌زدایی؛ یعنی امکان انتخاب کشوری به‌عنوان مقر که فاقد هرگونه ارتباط با فرایند حل اختلاف است. ۲- مفهوم نسبی مکان‌زدایی؛ یعنی امکان انتخاب کشوری

5. UNCITRAL Model Law, art 20; Arbitration Act 1996, Section 3; UNCITRAL Arbitration Rules, art 18; ICC Rules, art 18; LCIA Rules, art 16.

۶ فیض‌الله جعفری، جایگاه مقر در داوری تجاری بین‌المللی، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۸۹)، ص ۳۲؛ Alexander Bělohávek, "Importance of the Seat of Arbitration in International Arbitration: Delocalization and Denationalization of Arbitration as an Outdated Myth", ASA Bulletin, Vol. 31, Issue 2 (2013), p. 10; Jason Fry, "Arbitration and Promotion of Economic Growth and Investment", European Journal of Law Reform, Vol. 13, (2011), p. 395; Slavomir Halla, "Arbitration Going Online - New Challenges In 21st Century?", Masaryk University Journal of Law and Technology, Vol. 5 (2011), p. 221-222; Jonathan Hill, "Determining The Seat of An International Arbitration: Party Autonomy and the Interpretation of Arbitration Agreements", International and Comparative Law Quarterly, Vol. 63, Issue 03 (2014), p. 521.

به‌عنوان مقر که محل تشکیل جلسات رسیدگی نیست اما باید ارتباطی با فرایند حل اختلاف داشته باشد. همان‌طور که بیان شد، در خصوص روش‌های برخط حل اختلاف، مفهوم مطلق نظریه مکان‌زدایی راهگشا است، زیرا بر اساس نظریه یادشده، طرفین دعوا این اختیار را دارند که مقری را برای دعوی خود انتخاب کنند که فاقد هرگونه ارتباطی با فرایند روش حل اختلاف است. با این توضیح که وفق نظریه مکان‌زدایی نسبی، مقر انتخابی می‌تواند با مکان تشکیل جلسات رسیدگی متفاوت باشد، اما مقر انتخابی باید حتماً ارتباطی با فرایند حل اختلاف داشته باشد؛ ولی برابر نظریه مکان‌زدایی مطلق، طرفین این اختیار را دارند که مقری فاقد هرگونه ارتباط با فرایند حل اختلاف را برگزینند.

پذیرش یا ردّ نظریه مکان‌زدایی مطلق، برای مشخص کردن اعتبار توافق طرفین مبنی بر تعیین مقر در روش‌های برخط حل اختلاف، نقشی اساسی دارد، زیرا در صورت تعیین مقر در شیوه‌های برخط حل اختلاف، به دلیل عدم برگزاری جلسات رسیدگی و فرایند حل اختلاف در دنیای واقعی، در اکثر موارد، مقری از سوی طرفین دعوا انتخاب می‌شود که فاقد ارتباط عینی با فرایند روش حل اختلاف برخط است، لذا در صورت تجویز انتخاب مقر فاقد ارتباط با روش حل اختلاف، وفق نظریه مکان‌زدایی مطلق و به تبع آن، مقر انتخابی طرفین در شیوه‌های برخط حل اختلاف نیز معتبر خواهد بود.^۷

برخی نویسندگان، نظریه مکان‌زدایی مطلق را با توجه به اهمیت اصل سرزمینی بودن در صلاحیت داوری قبول ندارند^۸ و به ماده ۱(۲) قانون نمونه داوری آنسیترال استناد می‌نمایند. مقررّه یادشده عنوان می‌دارد که مفاد این قانون فقط در صورتی که محل داوری در قلمرو کشوری باشد که این قانون را تصویب کرده، قابل اعمال است.

7. Slavomir Halla, *Ibid*, p. 221.

۸. زهرا توکلی، رژیم حقوقی داوری برخط، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی (۱۳۸۹)، ص ۸۶؛ Katherine, Lynch, the Forces of Economic Globalization: Challenges to the Regime of International Commercial Arbitration, (The Hague: Kluwer Law International, 2003), p. 394; Hong-lin Yu; Motassem, Nasir, "Can Online Arbitration Exist within the Traditional Arbitration Framework?", *Journal of International Arbitration*, Vol. 20, Issue 5 (2003), p. 473; Rafal Morek, "Online Arbitration: Admissibility Within the Current Legal Framework", Available at: <https://www.academia.edu/30536877> (2012), p. 34.

در مقابل، اکثر صاحب‌نظران حقوقی^۹ معتقدند که انتخاب مقری فاقد هرگونه ارتباط با فرایند حل اختلاف، معتبر است؛ زیرا مقر مفهومی حقوقی است و نه فیزیکی. اعتقاد یادشده بر اساس اصل استقلال آزادی اراده طرفین توجیه‌پذیر است.^{۱۰} همچنین در نظام حقوقی انگلستان (مطابق ماده ۳ قانون داوری سال ۱۹۹۶ و رویکرد اتخاذی در پرونده «Omniium De Traitement Et De Valorisation SA v. Hilmarton Ltd»)^{۱۱} و نظام حقوقی فرانسه (برابر نظر دیوان عالی کشور)، به صراحت امکان تعیین مقر فاقد هرگونه ارتباط با فرایند حل اختلاف به رسمیت شناخته شده است.^{۱۲}

با توجه به مطالب پیش‌گفته، نظریه مکان‌زدایی مطلق در روش‌های برخط حل اختلاف اعمال شده و امکان انتخاب مقر روش برخط حل اختلاف، به دلیل برخط بودن فرایند آن و عدم ارتباط آن با محلی فیزیکی زیر سؤال نمی‌رود و توافق طرفین در خصوص انتخاب مقر در شیوه‌های برخط حل اختلاف، معتبر است.^{۱۳} حتی به اعتقاد برخی نویسندگان^{۱۴}، پذیرش نظریه مکان‌زدایی مطلق در روش‌های برخط حل اختلاف، آسان‌تر است؛ زیرا به سبب عدم برگزاری فرایند رسیدگی به دعوا به صورت فیزیکی، روش حل اختلاف به نظام حقوقی هیچ کشور و مکان فیزیکی مرتبط نیست و زمانی که هیچ کشوری با فرایند حل اختلاف مرتبط نباشد، به راحتی نمی‌توان مقر انتخابی طرفین را زیر سؤال برد و به دلیل نبود جلسات رسیدگی و مقر با مفهوم سنتی، ارتباطی میان فرایند دعوا و مقررات کشورهای یادشده وجود ندارد که تردیدی در خصوص امکان اعمال این مقررات ایجاد کند.^{۱۵}

9. Filipe De Ly, "The Place of Arbitrator in the Conflict of Law of International Commercial Arbitration: an Exercise in Arbitration Planning" *International Law and Business*, Vol. 12, No. 48 (1991), p. 60; Slavomir Halla, *Ibid*, 221; Harriham Haloush, "Jurisdictional Dilemma in Online Disputes: Rethinking Traditional Approaches", *The International Lawyer*, Vol. 42 (2008), p. 1143

۱۰. سمیرا محمدی‌نژاد و همکاران، «محدودیت‌های آزادی اراده طرفین در تعیین قانون حاکم بر آیین داوری تجاری بین‌المللی»، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، سال دوازدهم، ش ۲۴ (۱۴۰۰)، ص ۱۳۸.

11. *Omnium De Traitement Et De Valorisation SA v. Hilmarton Ltd*, 19991 2 *Lloyd's Rep.* 222.

12. Harriham Haloush, *Ibid*, p. 1143; Isabelle Manevy, "Online Dispute Resolution What Future?", Available at: lthoumyre.chez.com/uni/mem/1 (2001), p. 42.

13. Harriham Haloush, *Ibid*, p. 114; Mirèze Philippe, "Hypochondria About the Place of Arbitration in Online Proceedings", Available at: arbitrationblog.kluwerarbitration.com (2015), p. 1.

۱۴. مصطفی‌السان، «جنبه‌های حقوقی داوری آن‌لاین»، *فصلنامه علمی حقوق تطبیقی*، ش ۱۱ (۱۳۸۵)، ص ۹۷.

15. Katherine Lynch, *Ibid*, p. 391; Mirèze, Philippe, *Ibid*, p. 2.

در نتیجه، در صورت انتخاب مقرّ روش برخط حل اختلاف از سوی طرفین، توافق یادشده با توجه به نظریه مکان‌زدایی مطلق معتبر است. مشکل اصلی در جایی است که طرفین دعوا مقر را انتخاب نکرده‌اند. در این صورت، مقام رسیدگی‌کننده به دعوا می‌تواند مقر را خود انتخاب نماید، اما با توجه به اجرای فرایند دعوا به صورت غیرفیزیکی و عدم ارتباط آن به نظام حقوقی کشوری خاص، معیار انتخابی از سوی مقام یادشده برای تعیین مقرّ حل اختلاف، محل تردید و سؤال خواهد بود که موضوع یادشده در خصوص برخی روش‌های برخط حل اختلاف بررسی می‌شود که تعیین مقر در روش‌های حل اختلاف دارای آثار حقوقی است.

۲. تعیین مقر در میانجیگری برخط

میانجیگری، روش جایگزین حل اختلافی است که میانجی، طرفین دعوا را برای حل و فصل اختلاف فی‌مابین یاری می‌کند^{۱۶} و تفاوت اصلی آن با داوری و دادرسی در عدم تعیین نتیجه دعوا از جانب میانجی و تعیین آن از سوی خود طرفین دعواست^{۱۷}. یکی از روش‌های مرسوم این روش حل اختلاف، میانجیگری برخط است که این امکان را فراهم می‌آورد تا طرفین دعوا که قادر یا متمایل به برگزاری جلسات حضوری نیستند، بتوانند اختلاف خود را به شکل دوستانه و مسالمت‌آمیز حل و فصل نمایند.

برای تعیین مقر میانجیگری برخط، ابتدا باید این موضوع بررسی شود که آیا اصلاً تعیین مقر در میانجیگری برخط ضرورت دارد؟ سپس باید به معیار و مبنای تعیین مقر در میانجیگری برخط پرداخته شود. لذا در مباحث زیر تعیین مقر در میانجیگری برخط مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱۶. رضا معبودی نیشابوری و سید علیرضا رضایی، «چالش‌های حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌های منعکس در رأی داوری با مطالعه تطبیقی در کنوانسیون سنگاپور ۲۰۱۹»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ش ۲۳ (۱۴۰۰)، ص ۱۵۵.

17. Gabrielle Kaufmann-Kohler; Thomas, Schultz, *Online Dispute Resolution - Challenges for Contemporary Justice*, (Netherlands: Kluwer Law International, 2004), p. 21; Terekhov Victor, "Online Mediation: a Game Changer or Much Abo about Nothing", *Access to Justice in Eastern Europe*, Vol. 2, No. 3 (2019), p. 35.

۲.۱. آثار تعیین مقر در میانجیگری برخط

جدا از این حقیقت که برخلاف داوری، مشخص کردن مقرّ سازش‌نامه به راحتی امکان‌پذیر نیست^{۱۸}، مسئله اصلی که وجود دارد آثار تعیین مقر در میانجیگری است. تعیین مقر در داوری دارای آثار متعددی است، اما آیا در مورد میانجیگری نیز چنین مسئله‌ای صدق می‌کند؟

برخی نویسندگان^{۱۹} معتقدند که در میانجیگری، نتیجه روش حل اختلاف یادشده، انعقاد قرارداد حل اختلاف یا سازش‌نامه است و رسیدگی به این دعاوی نسبت به قراردادهای، در مقر انعقاد آنها انجام می‌شود، زیرا «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است...» و برای تبیین اهمیت تعیین مقر در میانجیگری به بند ۱ ماده ۴ قواعد میانجیگری اتاق بازرگانی بین‌المللی استناد کرده‌اند. وفق مقرره یادشده، تعیین مکان جلسات از سوی طرفین دعوا یا سازمان میانجیگری صورت می‌گیرد. در همین راستا برخی نویسندگان بر این باورند که مقر به دلیل تعیین قانون حاکم از جهت الزامات حرفه‌ای و داشتن مجوز برای میانجیگری، ضروری است.^{۲۰}

در مقابل، باید بیان داشت که با توجه به نبود صراحت قانونی، به نظر می‌رسد تعیین مقر میانجیگری به دلیل فقدان آثار حقوقی نهاد یادشده ضرورتی نداشته، به تبع آن، ابهاماتی که در خصوص تعیین مقر در داوری برخط مطرح است، هیچ‌کدام در میانجیگری برخط وجود ندارد؛ زیرا تعیین این مقر، فاقد اهمیت و تأثیر بر فرایند روش حل اختلاف یادشده است. در جریان داوری موضوعات مهم و متعددی مثل انتصاب و جرح داوران، صدور دستور موقت و تعیین ادله قاطع وجود دارد که باید از سوی دادگاه مقر داوری تعیین تکلیف شوند، اما در

18. Natalie Y Morris-Sharma, "Constructing the Convention on Mediation the Chairperson's Perspective", Singapore Academy of Law Journal, Vol. 31 (2019), p. 499; Timothy Schnabel, "the Singapore Convention on Mediation: Framework for the Cross-Border Recognition and Enforcement of Mediated Settlements", Pepperdine Dispute Resolution Law Journal, Vol. 19 (2019), p. 3.

۱۹. مصطفی‌السان، «جنبه‌های حقوقی داوری آن‌لاین»، فصلنامه علمی حقوق تطبیقی، ش ۱۱ (۱۳۸۵)، ص ۹۷؛ عباس میرشکاری و محسن، سلیمی، پیشین، ص ۷۴-۷۵.

20. Cassandra E. Joseph, "the Scope of Mediator Immunity: When Mediators Can Invoke Absolute Immunity", Ohio State Journal on Dispute Resolution, Vol. 12 (1997), p. 631-632.

فرایند داوطلبانه و کوتاه میانجیگری چنین ضرورتی وجود ندارد. این رویکرد در تمامی مقررات بین‌المللی موجود در خصوص میانجیگری مشاهده می‌شود. در بسیاری از مقررات بین‌المللی (قانون نمونه ۲۰۰۲، قانون نمونه ۲۰۱۸، دستورالعمل اتحادیه اروپا در خصوص میانجیگری در دعاوی تجاری و مدنی مصوب ۲۰۰۸، قواعد میانجیگری تجاری اتحادیه داوری امریکا، مقررات میانجیگری سازمان جهانی مالکیت فکری و قواعد میانجیگری دیوان بین‌المللی داوری لندن) هیچ اشاره‌ای به مقر میانجیگری نشده و حتی در برخی مقررات (بند ۱ ماده ۴ مقررات میانجیگری اتاق بازرگانی بین‌المللی، ماده ۴ قواعد میانجیگری مرکز آسیایی داوری بین‌المللی، ماده ۶۳ کنوانسیون ایکسید) هم که اشاراتی صورت گرفته، منظور تنها محل تشکیل جلسات رسیدگی بوده و مقر به معنای حقوقی پیش‌بینی نگردیده و آثاری نیز برای آن در نظر گرفته نشده است. در برخی از مقررات پیش‌گفته (بند ۲ ماده ۲ در بند ۶ ماده ۱۶ قانون نمونه ۲۰۱۸ و بند ۲ ماده ۱۸ همان قانون، مواد ۳ و ۶ قواعد میانجیگری دیوان بین‌المللی داوری لندن، ماده ۱۳ قواعد میانجیگری مرکز آسیایی داوری بین‌المللی و در ماده ۱۰ مقررات میانجیگری سازمان جهانی مالکیت فکری)، به صراحت اشاره شده که میانجیگری برخط نیز تابع مقررات یادشده است و در بقیه مقررات نیز مقرره‌ای در جهت عدم شمول میانجیگری برخط دیده نمی‌شود. لذا تعیین مقر میانجیگری سنتی یا برخط، وفق مقررات یادشده ضرورت ندارد.

۲.۲. معیار تعیین مقر میانجیگری برخط

با وجود عدم صراحت مقررات میانجیگری مبنی بر تعیین قانون حاکم وفق مقر، برخی نویسندگان با رجوع به مقررات داوری برخط معتقدند که در فرض سکوت طرفین، در میانجیگری برخط نیز باید قانون حاکم بر دعوا، همان کشور مقر باشد^{۲۱}. در پاسخ به دیدگاه‌های یادشده باید بیان داشت که ابهام اصلی درباره تعیین مقر در روش‌های برخط حل اختلاف در فرضی است که طرفین مقر را انتخاب نکرده‌اند. در چنین وضعیتی، به نظر می‌رسد میانجی نمی‌تواند مقر میانجیگری را انتخاب کند، چون میانجی درباره اختلاف

21. Llewellyn. J. Gibbons; Robin. M. Kennedy; J. Michael, Gibbs, "Cyber-Mediation: Computer-Mediated Communications Medium Massaging the Message", New Mexico Law Review, Vol. 32, No. 1 (2002), p. 39.

طرفین دعوا تصمیم نمی‌گیرد. این درحالی است که در داور، در صورت سکوت طرفین، تعیین مقر از سوی داور صورت می‌گیرد، زیرا زمانی که نتیجه نهایی دعوا را داور تعیین می‌کند، می‌تواند با توجه به شرایط پرونده، مقر داور را هم انتخاب کند. در این صورت، معیار اتخاذی داور برای تعیین مقر داور برخط، مبهم است. در مقابل در میانجیگری، خود میانجی اصلاً اختیار تعیین مقر میانجیگری را ندارد تا بتوان درباره نحوه تعیین آن در میانجیگری برخط مطالبی عنوان نمود.

همچنین باید توجه داشت که در ماده ۴ قواعد میانجیگری اتاق بازرگانی بین‌المللی مقر شده است که طرفین می‌توانند محل تشکیل جلسات رسیدگی میانجیگری را تعیین نمایند، در غیر این صورت، سازمان محل یادشده را تعیین می‌کند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در قواعد پیش‌گفته محل تشکیل جلسات رسیدگی^{۲۲} بیان شده و به مقر^{۲۳} میانجیگری به معنای حقوقی آن اشاره‌ای نشده است؛ لذا مقررۀ یادشده وجود مقر در میانجیگری را به رسمیت نشناخته است.

در داور با اینکه توافق طرفین در ارجاع دعوا به داور اصلی دارد، اما روش یادشده نوعی طریق ترفعی حل اختلاف است. در واقع، داور به‌عنوان ثالث نتیجه دعوا را مشخص می‌کند و طرفین تلاش می‌کنند با توجه به مستندات و اظهارات خود باعث شوند که رأی داور به نفع ایشان صادر گردد. مشخصاً در فرایند و اجرای نتیجه داور موضوعات متعددی مطرح می‌شود که بدون تعیین تکلیف آنها امکان ادامه فرایند داور میسر نیست. لذا در این صورت، حل و فصل مسائل یادشده از طریق رجوع به مقررات مقر داور صورت می‌گیرد. در مقابل، میانجیگری روشی کاملاً متکی بر توافق طرفین است، زیرا هم در ارجاع دعوا به میانجیگری و هم در تعیین نتیجه دعوا، صرفاً طرفین دعوا هستند که تصمیم‌گیری می‌کنند و میانجی حق تعیین تکلیف برای طرفین را ندارد. لذا برخلاف روش‌های ترفعی حل اختلاف، فرایند میانجیگری بسیار ساده است و مشکلات و مسائل آن‌چنانی در فرایند میانجیگری مطرح نمی‌شود که نیاز به تعیین تکلیف آن از سوی قوانین خاصی به‌عنوان قانون حاکم باشد.

22. Location of Physical Meeting.

23. Seat.

به همین دلیل است که در اکثر مقررات بین‌المللی موجود در خصوص میانجیگری (کنوانسیون ایکسید^{۳۴}، قانون نمونه سازش تجاری بین‌المللی آنسیترال^{۲۵}، قانون نمونه آنسیترال در زمینه سازش تجاری بین‌المللی و سازش‌نامه‌های بین‌المللی ناشی از فرایند سازش مصوب ۲۰۱۸^{۲۶}، دستورالعمل اتحادیه اروپا در خصوص میانجیگری در دعاوی تجاری و مدنی مصوب ۲۰۰۸^{۲۷}، قواعد میانجیگری تجاری اتحادیه دآوری امریکا^{۲۸}، مقررات میانجیگری اتاق بازرگانی بین‌المللی^{۲۹}، مقررات میانجیگری سازمان جهانی مالکیت فکری^{۳۰}، قواعد میانجیگری مرکز آسیایی دآوری بین‌المللی^{۳۱} و قواعد میانجیگری دیوان بین‌المللی دآوری لندن^{۳۲})، تعداد مواد و قواعد بسیار محدود است. لذا در میانجیگری برخط نمی‌توان با وضع مقررات متعدد، میانجی و طرفین دعوا را محدود نمود و اصلاً نیازی هم به وضع مقررات نیست. تنها مسئله‌ای که در میانجیگری اهمیت بالایی دارد، حمایت اجرایی از سازش‌نامه به‌عنوان نتیجه فرایند میانجیگری است.

مهم‌ترین سند بین‌المللی موجود در مورد میانجیگری (کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد سازش‌نامه‌های حاصل از میانجیگری^{۳۳} ۲۰۱۹ (کنوانسیون سنگاپور^{۳۴})) نیز اشاره‌ای به مقر میانجیگری نداشته و اثری را برای آن در نظر نگرفته است. با این توضیح که میانجیگری به دلیل فقدان حمایت اجرایی از سازش‌نامه به‌عنوان نتیجه طریقه حل اختلاف هیچ‌گاه نتوانسته است جایگاهی مثل دآوری در روش‌های جایگزین حل اختلاف داشته باشد،

24. ICSID Convention 1996.

25. Uncitral Model Law on International Commercial Conciliation 2002.

از این پس، قانون نمونه ۲۰۰۲

26. UNCITRAL Model Law on International Commercial Mediation and International Settlement Agreements Resulting from Mediation 2018.

از این پس، قانون نمونه ۲۰۱۸

27. The European Directive on Certain Aspects of Mediation in Civil and Commercial Matters (2008).

28. AAA Commercial Mediation Procedures 2013.

29. ICC Mediation Rules 2014.

30. WIPO Mediation Rules 2021.

31. AIAC Mediation Rules 2018.

32. LCIA Mediation Rules 2020.

33. United Nations Convention on International Settlement Agreements Resulting from Mediation 2019.

۳۴. از این پس، «کنوانسیون» یا «کنوانسیون سنگاپور».

به همین دلیل سازمان ملل متحد کنوانسیون سنگاپور را تصویب کرد تا ضعف فقدان حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌های تجاری بین‌المللی را با اعمال حمایت‌های مشابه کنوانسیون نیویورک از آرای داوری برطرف نماید.^{۳۵} شایان ذکر است در بند ۲ ماده ۲ و بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون پیش‌گفته، میانجیگری برخط به رسمیت شناخته شده است.

در کنوانسیون سنگاپور هم هیچ اشاره‌ای به مقر میانجیگری نشده و حتی آثاری که برای مقر داوری در کنوانسیون نیویورک ذکر شده، در کنوانسیون سنگاپور نیامده است تا نظام حقوقی یک کشور خاص بر فرایند میانجیگری کنترل نداشته باشد و اعمال معاهده یادشده به کشور مبدأ سازش‌نامه محدود نباشد.^{۳۶}

در مقایسه قواعد کنوانسیون نیویورک و کنوانسیون سنگاپور، مشخص می‌شود که عدم ذکر مفهوم حقوقی مقر در کنوانسیون سنگاپور دارای آثار حقوقی بااهمیتی است. در کنوانسیون سنگاپور، اولاً مقر میانجیگری بر تعیین قانون حاکم تأثیری نداشته، قانون حاکم بر میانجیگری بر اساس تراضی طرفین یا تشخیص دادگاه محل اجرا مشخص می‌شود و ثانیاً در صورت صدور حکم ابطال سازش‌نامه در مقر میانجیگری، سازش‌نامه هنوز معتبر بوده، در کشورهای دیگر قابل اجراست.

تفاوت رویکرد کنوانسیون نیویورک و سنگاپور در این است که مطابق کنوانسیون نیویورک در صورت ابطال رأی داوری در مقر داوری، کشور محل شناسایی و اجرای رأی داوری می‌تواند آن را اجرا نکند. اما برابر کنوانسیون سنگاپور، سازش‌نامه کاملاً مستقل از نظام قضایی هر کشور دیگری باید اجرا شود، زیرا در این معاهده، ملاک «ابطال سازش‌نامه» نبوده، بلکه معیار «بطلان سازش‌نامه» است. با این توضیح که در فراز اول پاراگراف «ب» بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون سنگاپور، «باطل بودن» سازش‌نامه وفق قانون مرضی‌الطرفین یا قانون صالح به نظر کشور محل اجرا، مانع اجرای سازش‌نامه است و ابطال سازش‌نامه در دادگاه‌های کشورهای دیگر از جمله کشور محل انعقاد سازش‌نامه، الزامی برای

۳۵. رضا معبودی و سیدعلیرضا رضائی، «رویکرد کنوانسیون سنگاپور ۲۰۱۹ و نظام حقوقی ایران در مورد چالش‌های سازش‌نامه‌های حاصل از میانجیگری تجاری بین‌المللی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ش ۲ (۱۳۹۹)، ص ۱۲۱.

36. Timothy Schnabel, *Ibid*, p. 21.

دادگاه محل اجرا جهت ردّ درخواست اجرای سازش‌نامه ایجاد نمی‌کند. موضع دادگاه محل انعقاد سازش‌نامه اهمیتی ندارد و تشخیص بطلان سازش‌نامه از سوی دادگاه کشور محل اجرا ملاک است.

شایان ذکر است حتی ابطال سازش‌نامه در دادگاه‌های کشوری که قانون آن حاکم بر میانجیگری است، نیز مانع اجرای سازش‌نامه نخواهد بود، زیرا تشخیص بطلان سازش‌نامه از سوی دادگاه محل اجرا با در نظر گرفتن مقررات کشور محل قانون حاکم صورت می‌گیرد، اما الزامی برای دادگاه محل درخواست اجرای سازش‌نامه جهت تبعیت از آرای صادره دادگاه‌های کشوری که قانون آن بر سازش‌نامه حاکم است، وجود ندارد. برای مثال، اگر انگلستان به‌عنوان کشور محل اجرا، قانون حاکم بر سازش‌نامه را قوانین کشور آلمان بداند و سازش‌نامه در دادگاه‌های کشور آلمان ابطال شده باشد، با توجه به اینکه برداشت دادگاه اجراکننده (انگلستان) از مقررات قانونی کشور حاکم (آلمان) ملاک است، ابطال یادشده الزامی جهت ردّ درخواست اجرای سازش‌نامه ایجاد نمی‌کند و لذا مرجع قضایی اجراکننده سازش‌نامه (انگلستان) می‌تواند طبق قانون آلمان سازش‌نامه را معتبر بداند، حتی اگر حکم ابطال آن در دادگاه آلمان صادر شده باشد.

در مقابل، در نظام حقوقی ایران مقر میانجیگری دارای آثار حقوقی است. اگر سازش‌نامه در رأی داوری ذکر شود، با توجه به قانون الحاق ایران به کنوانسیون نیویورک و ماده ۲۸ قانون داوری تجاری بین‌المللی، مقر سازش‌نامه یا رأی داوری دارای همان آثار مقر در داوری است. در دیگر انواع سازش‌نامه (سازش‌نامه تنظیمی نزد دادگاه، سازش‌نامه تنظیمی نزد سردفتران اسناد رسمی و سازش‌نامه عادی)، وفق مواد ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی و ۱۲۹۵ قانون مدنی، موافقت مفاد سند با قوانین محل تنظیم آن شرط است. از این جهت موضع حقوق ایران قابل نقد است که منوط کردن اعتبار سازش‌نامه به تطابق آن با قوانین محل تنظیم سند یادشده منطقی نیست، زیرا در اکثر موارد برای طرفین محل تنظیم سازش‌نامه اهمیتی ندارد و حتی ممکن است به صورت کاملاً اتفاقی سازش‌نامه در کشوری خاص تنظیم شود.

در مجموع، برابر قواعد نظام حقوقی ایران، میانجیگری برخط باید مطابق قوانین کشور

مقر میانجیگری صورت گیرد، زیرا سازش نامه به عنوان نتیجه فرایند میانجیگری برخط، یک سند محسوب می شود و اعتبار سند نیز وفق مواد ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی و ۱۲۹۵ قانون مدنی، منوط به تنظیم آن مطابق قوانین محل تنظیم است. با توجه به ماده ۲۹ قانون تجارت الکترونیکی، مکان تنظیم سازش نامه ناشی از فرایند میانجیگری برخط، مکانی است که اقامتگاه تجاری یا قانونی ارسال کننده یا مخاطب قبول سازش نامه در آن قرار دارد.

برابر ماده ۲۹ قانون تجارت الکترونیکی، در صورت وجود توافق طرفین برای تعیین مکان قرارداد، مکان تعیین شده ملاک است.^{۳۷} اما در صورت عدم تعیین آن، دیدگاه‌های متفاوتی عنوان شده است: برخی نویسندگان^{۳۸} با توجه به نظریه وصول، معتقدند که وفق مواد ۲۶ و ۲۷ قانون تجارت الکترونیکی، اقامتگاه تجاری یا قانونی دریافت کننده داده پیام، مکان وقوع قرارداد است. در مقابل برخی^{۳۹} بیان می دارند که نظریه ارسال قبول منطقی تر بوده، اقامتگاه تجاری یا قانونی ارسال کننده داده پیام باید به عنوان محل وقوع قرارداد الکترونیکی در نظر گرفته شود. جهت اختیار یکی از نظریات پیش گفته با توجه به شرایط خاص قراردادهای الکترونیکی باید میان ابزار فوری و غیرفوری تفکیک قائل شویم. در صورتی که ابزار الکترونیکی مورد استفاده طرفین برای انعقاد قرارداد، ابزاری فوری و هم زمان مثل ویدئو کنفرانس، تلفن و اتاق گفتگو باشد، به دلیل شباهت به ارتباط حضوری، می توان قاعده وصول را در این گونه قراردادها اعمال نمود.^{۴۰} در مقابل، اگر ابزار الکترونیکی غیرفوری باشد، مانند ایمیل، به دلیل پیشگیری از سوءاستفاده در فاصله ارسال قبول تا وصول، نظریه ارسال ملاک خواهد بود.^{۴۱} لذا با توجه به مراتب پیش گفته و ماده ۲۹ قانون

۳۷. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی اعمال حقوقی، (تهران: شرکت انتشار، چ ۲، ۱۳۷۱)، ص ۷۷؛ همایون مافی و حسین، کاویار، «بررسی تطبیقی قانون حاکم بر قراردادهای الکترونیکی منعقد در محیط اینترنت از منظر نظام های حقوقی امریکا، اتحادیه اروپا و ایران»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، ش ۱ (۱۳۹۲)، ص ۱۷۱؛ علیرضا قنبری، حقوق تجارت الکترونیک، (تهران: انتشارات جاودانه (جنگل)، چ ۱، ۱۳۹۳)، ص ۱۸۷.

۳۸. محمدعلی نوری و رضا نخجوانی، حقوق تجارت الکترونیکی، (تهران: انتشارات گنج دانش، چ ۱، ۱۳۸۲)، ص ۱۴۳؛ محمدباقر قربانوند، پیشین، ص ۱۸۳.

۳۹. همایون مافی و حسین کاویار، پیشین، ص ۱۷۱؛ علیرضا قنبری، پیشین، ص ۱۸۷.

۴۰. ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، (تهران: انتشارات مجد، چ ۲، ۱۳۸۲)، ص ۳۶۴.

۴۱. طاهر حبیبزاده، حقوق فناوری اطلاعات حقوق قراردادها در گستره قراردادهای الکترونیک (مطالعه تطبیقی)، ج ۲، (تهران: دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، چ ۱، ۱۳۹۰)، ص ۲۵۶.

یادشده، اگر سازش‌نامه ناشی از فرایند میانجیگری برخط از طریق ابزار الکترونیکی فوری تنظیم شده باشد، مکان وقوع آن، اقامتگاه تجاری یا قانونی دریافت‌کننده قبول است و اگر از طریق ابزار الکترونیکی غیرفوری تنظیم شده باشد، مکان وقوع آن، اقامتگاه تجاری یا قانونی ارسال‌کننده قبول خواهد بود.

۳. تعیین مقر در داوری برخط

داوری را می‌توان مطرح‌ترین روش جایگزین حل اختلاف نامید که امروزه در اثر ظهور فناوری‌های نوین و گسترش تجارت در فضای مجازی، رژیم حقوقی سنتی داوری به‌وسیله داوری برخط به‌چالش کشیده شده است. با وجود یکسان بودن قواعد ماهوی داوری برخط و داوری سنتی، در برخی موضوعات به دلیل دخالت واسطه اینترنتی یا الکترونیکی در فرایند داوری و برقراری ارتباط در فضای غیرمادی میان طرفین و داور، داوری برخط ویژگی خاص می‌یابد. یکی از این مسائل، نحوه تعیین مقر در این نوع داوری‌ها است. در ادامه، تعیین مقر در داوری برخط در دو مبحث زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳.۱. اهمیت تعیین مقر در داوری برخط

مقر داوری، رسیدگی داوری را از نظر حقوقی به یک نظام ملی مرتبط می‌سازد^{۴۲} و بر نتیجه داوری تأثیر مستقیم دارد.^{۴۳} مقر داوری به سبب ایجاد ارتباط میان داوری و مقررات ملی حائز اهمیت است و تأثیر مستقیمی در اجرای رأی داوری و اعتراض به آن دارد. مقر داوری در بسیاری از موارد بر موضوعات داخلی رأی داوری مؤثر است، مثل تعیین مرجع صالح برای رسیدگی به جرح داور (ماده ۱۳ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران)، تعیین مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست قرارهای تأمینی و موقت (ماده ۹ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران)، تعیین داور در صورت عدم توافق طرفین (بند ۲ ماده ۱۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران؛ بند ۲ ماده ۱۴۹۳ قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه؛

۴۲. محمد ابوترابی زارچی، *داوری برخط و مسائل حقوقی آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۸۶)، ص ۴۱.
 ۴۳. Lanier Tiffany, "Where on Earth Does Cyber-Arbitration Occur?: International Review of Arbitral Awards Rendered Online", *Ilsa Journal of International & Comparative Law*, Vol. 7 (2000), p. 3.

برابر ماده ۱۷۹ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی سوئیس). همچنین مسائل خارجی داوری نیز از طریق قانون مقر داوری تعیین تکلیف می‌شود، مثل تعیین مرجع صالح رسیدگی به دعوی اعتراض به رأی داوری (بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک، ماده ۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران با ارجاع به ماده ۳۳ همان قانون)، تعیین مرجع صالح رسیدگی به دعوی شناسایی و اجرای رأی داوری (ماده ۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران با ارجاع به ماده ۳۵ همان قانون)^{۴۴}.

مهم‌ترین آثار مقر داوری در کنوانسیون نیویورک ذکر شده است. با توجه به لزوم «خارجی» بودن رأی داوری جهت شمول آن در مقررات معاهده یادشده، رأی داوری باید مربوط به یک کشور باشد. همچنین مطابق بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون نامبرده، یکی از جهات عدم اجرای رأی داوری، آن است که کشور غیرعضو کنوانسیون مقر داوری باشد. وفق پاراگراف «ث» بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون نیز تعیین قانون حاکم بر داوری در صورت فقدان توافق طرفین، برابر مقررات قانون کشور مقر صورت می‌گیرد. مقررۀ یادشده بیان می‌دارد: «الف/۱- موافقت‌نامه داوری به‌موجب قانونی که طرفین آن را حاکم قرار داده‌اند معتبر نباشد یا در فرض سکوت طرفین در خصوص قانون حاکم، به‌موجب قانون کشور محل صدور رأی داوری فاقد اعتبار باشد».

به‌علاوه، وفق پاراگراف «ث» بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون، امکان عدم اجرای رأی داوری ابطال شده در کشور مقر وجود دارد. بند یادشده بیان می‌دارد: «الف/۱- رأی هنوز برای طرفین لازم‌الاجرا نشده یا از سوی مرجع صالح کشوری نقض شده یا به حالت تعلیق درآمده باشد که رأی در قلمرو آن یا بر اساس قوانین آن صادر شده است». ابطال رأی داوری، اقدامی است که تنها در صلاحیت انحصاری دادگاه‌های کشور مقر داوری می‌باشد و دادگاه‌های کشورهای محل اجرای رأی داوری، تنها می‌توانند رأی داوری را اجرا کرده یا از اجرای آن امتناع کنند و نمی‌توانند رأی داوری را ابطال نمایند.

44. Jie Zheng, *Online Resolution of E-commerce Disputes Perspectives from the European Union, the UK, and China*, (Shanghai: Springer, 2020), p. 241; Gary Born, *International Arbitration: Cases and Materials*, (New York: Wolters Kluwer Law & Business, 2015), p. 600; Mohamed S. Abdel Wahab; Ethan, Katsh; Daniel, Rainey, *Online Dispute Resolution: Theory and Practice*, (Netherlands: Eleven International Publishing, 2012), p. 422.

۲.۳. معیار تعیین مقر در داوری برخط

پیش فرض اصلی نحوه تعیین مقر داوری، احترام به اراده طرفین دعواست و اشخاص یادشده می‌توانند مقر داوری را انتخاب نمایند. در صورت عدم انتخاب مقر از سوی طرفین، دیوان داوری یا سازمان داوری مقر را انتخاب می‌کند. چنین موضوعی در مقررات مختلفی (بند ۱ ماده ۲۰ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران، بند ۱ ماده ۲۰ قانون نمونه داوری آنسیترال، ماده ۳ قانون داوری انگلستان مصوب ۱۹۹۶^{۴۵}، بند ۱ ماده ۱۶ مقررات دیوان داوری بین‌المللی لندن^{۴۶}، بند ۱ ماده ۱۴ قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی^{۴۷} و بند ۱ ماده ۲۰ قواعد داوری سازمان داوری اتاق بازرگانی استکهلم) ذکر شده است. طبق آمار نیز در حدود ۸۰ درصد از دعاوی مطروحه در اتاق بازرگانی بین‌المللی، مقر داوری از سوی طرفین دعوا انتخاب می‌شود.^{۴۸}

در همین راستا، برخی نویسندگان^{۴۹} معتقدند با توجه به اعمال قاعده پیش‌گفته در خصوص داوری برخط، روش حل اختلاف یادشده از جهت نحوه تعیین مقر، با داوری سنتی تفاوتی ندارد و مقر داوری یا از جانب خود طرفین انتخاب می‌شود یا داور آن را تعیین می‌کند. لذا در صورت نبود توافق طرفین بر مقر داوری، یا داور باید مقر داوری را تعیین کند (بند ۱ ماده ۱۸ قواعد داوری آنسیترال^{۵۰}) یا ارائه‌دهنده خدمات داوری برخط باید مقر را مشخص نماید (ماده ۱۰ قواعد داوری مؤسسه داوری امریکا^{۵۱}، بند ۱ ماده ۱۸ قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی^{۵۲}، بند ۱ ماده ۱۶ قواعد داوری دیوان داوری بین‌المللی لندن^{۵۳}، بند

45. Arbitration Act 1996

46. London Court of International Arbitration (LCIA)

47. International Chamber of Commerce (ICC)

۴۸. سمیه بنی‌یعقوب؛ عباس کریمی؛ مرتضی شهبازی‌نیا، «بررسی حقوقی داوری آنلاین در قراردادهای الکترونیکی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، ش ۴۳ (۱۳۹۸)، ص ۹۷-۹۸؛ محمدعلی بهمنی و محمدمبین، محمدی، «چالش‌های فرایند و تشریفات داوری برخط در مقایسه با داوری عادی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۹۱، ص ۷۹.

49. Slavomir Halla, *Ibid*, p. 220; Maurice. H. M Schellekens, "Online Arbitration and E-commerce", *Electronic Communication Law Review*, Vol. 9, No. 2 (2002), p. 122; Armağan Yüksel; Bozkurt, Ebru, "Online International Arbitration", *Ankara Law Review*, Vol. 4, No. 1 (2007), p. 89; Isabelle Manevy, *Ibid*, p. 42;

50. UNCITRAL Arbitration Rules

51. AAA Arbitration Rules

52. ICC Arbitration Rules

53. LCIA Arbitration Rules

«الف» ماده ۱۹ و بند «الف» ماده ۳۳ قواعد داوری سازمان جهانی مالکیت فکری^{۵۴} (۵۵).

در مقابل، باید بیان داشت که معیاری که داور برای تعیین مقر در داوری برخط ملاک قرار می‌دهد، محل سؤال و تردید است. در واقع با توجه به عدم تشکیل جلسات رسیدگی و طی فرایند داوری در فضای فیزیکی، داور چگونه می‌تواند کشور مقر داوری را تعیین نماید. با توجه به برگزاری جلسات رسیدگی به صورت برخط، امکان استفاده از معیارهای داوری سنتی مثل محل اقامت داوران، جهت تعیین مقر داوری برخط وجود ندارد. در عین حال باید در نظر داشت که با توجه به آثار حقوقی مهم مقر داوری، نمی‌توان مقر داوری برخط را تعیین نکرد^{۵۶} و داوری برخط نیاز به تعیین مقر داوری دارد^{۵۷}. لذا نظر برخی نویسندگان^{۵۸} مبنی بر اینکه داوری برخط می‌تواند فاقد مقر داوری باشد، چندان قابل دفاع به نظر نمی‌رسد. همچنین بسیاری از سازمان‌های داوری برخط یا کلاً دارای قواعد مشخصی نیستند^{۵۹} یا دارای قواعد داوری هستند، اما مقررات معینی را در خصوص مقر داوری ندارند^{۶۰} و در صورت عدم انتخاب مقر از سوی طرفین داوری، انتخاب مقر در دعاوی مطروحه نزد این سازمان‌ها با دشواری‌های جدی روبه‌رو می‌شود^{۶۱}.

نویسندگان معیارهای مختلفی را برای تعیین مقر در داوری برخط عنوان نموده‌اند که به

54. WIPO Arbitration and Expedited Arbitration Rules

55. Mohamed S. Abdel Wahab; Ethan, Katsh; Daniel, Rainey, *Ibid*, p. 410

۵۶. مصطفی‌السان، حقوق تجارت الکترونیکی، (تهران: سمت، ج ۶، ۱۳۹۹)، ص ۲۸۰.

Mohamed S. Abdel Wahab; Ethan, Katsh; Daniel, Rainey, *Ibid*, p. 410.

57. United Nations Commission on International Trade Law, "Online Dispute Resolution. United Nations Commission on International" Trade Law Yearbook, Vol. 44 (2013), p. 460.

۵۸. سیما بدری‌زاده و منوچهر توسلی نائینی، «شناسایی و اجرای آراء داوری تجاری بین‌المللی صادره در فضای مجازی»، فصلنامه علمی حقوق تطبیقی، ش ۲۱ (۱۳۹۰)، ص ۱۳۹؛ زهرا توکلی و مهشید سادات طبائی، «اعتبار حقوقی داوری اینترنتی در تجارت بین‌المللی»، تحقیقات حقوقی آزاد، ش ۲۸ (۱۳۹۴)، ص ۱۱۲؛ زهرا توکلی، پیشین، ص ۸۵-۸۶؛ محمد ابوترابی زارچی، پیشین، ص ۴۶.

Jasna Arsic, "International Commercial Arbitration on the Internet: Has the Future Come Too Early?", *Journal of International Arbitration*, Vol. 14, No. 3 (1997), p. 209; Rafal Morek, *Ibid*, p. 63-64.

59. Net-Arb <www.netarb.com>; Inspection Arbitration Services <<http://inspection-arbitrationservice.com>>; odrworld <www.odrworld.com>; Settle Today <www.settletoday.com>; and ZipCourt <www.zipcourt.com>.

60. Arbitration. in <www.arbitration.in>; eCourt <www.ecourt.co.uk/arbitration.php>; the Czech Arbitration Court Online Platform ADR. eu for Domain Name Disputes <www.adr.eu>

61. Mohamed S. Abdel Wahab; Ethan, Katsh; Daniel, Rainey, *Ibid*, p. 411.

شرح زیر بیان می‌شود:

برخی نویسندگان^{۶۲}، محل استقرار سرورها یا مکان نگهداری اطلاعات پرونده‌ها یا محل ارسال ایمیل‌های داور را معیار مناسبی برای تعیین مقر در داوری برخط می‌دانند.

در توجیه معیار یادشده عنوان شده است که تلقی محل وقوع ارائه‌دهنده خدمات داوری برخط به عنوان مقر داوری، از آنجایی مناسب است که توافقی غیرمستقیم و ضمنی بین طرفین داوری بر محل آن وجود دارد، زیرا آنها سازمان نامبرده را جهت حل اختلاف خود انتخاب نموده‌اند. در فرضی که مکان وقوع سازمان داوری برخط با محل وقوع پلتفرم‌های اینترنتی متفاوت باشد، ملاک باید محل وقوع سازمان داوری قرار گیرد، زیرا طرفین دعوا آن سازمان را انتخاب کرده، از خدماتش بهره می‌برند.^{۶۳}

در مجموع، با توجه به بی‌اطلاعی طرفین دعوا از مکان وقوع سیستم اطلاعاتی و ارتباطی^{۶۴} فرعی و غیرمهم بودن آن^{۶۵} و عدم تأثیر مکان استقرار سرورها در فرایند داوری و اتفاقی بودن آن، چنین معیاری مناسب به نظر نمی‌رسد.

برخی نویسندگان^{۶۶}، کشور محل قانون حاکم بر مسائل شکلی داوری را به عنوان مقر در نظر می‌گیرند، زیرا همان‌طور که مقر بر تعیین قوانین حاکم بر داوری تأثیر مستقیم دارد، قانون حاکم بر مسائل شکلی دعوا با توجه به یکسان بودن موضوع آن با مقر داوری، می‌تواند معیاری مناسب جهت تعیین مقر داوری باشد.

۶۲ عباس میرشکاری و محسن سلیمی، «درآمدی بر روش‌های آنلاین حل اختلاف ODR»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ش ۳۹ (۱۳۹۸)، ص ۷۵.

Maurice. H. M Schellekens, *Ibid*, p. 12; Lanier, Tiffany, *Ibid*, p. 13; Marc Andre Wilikens; Arnold, Vahrenwald; Philip, Morris, "Out-of-Court Dispute Settlement Systems for e-Commerce. Report on an Exploratory Study", Available at: <https://publications.jrc.ec.europa.eu/repository/handle/JRC20538> (2000), p. 87; Mohamed S. Abdel Wahab; Ethan, Katsh; Daniel, Rainey, *Ibid*, p. 410.
63. Mohamed S. Abdel Wahab; Ethan, Katsh; Daniel, Rainey, *Ibid*, p. 411.

۶۴ محمدباقر قربانوند، حقوق تجارت الکترونیک، (تهران: انتشارات جاودانه (جنگل)، چ ۱، ۱۳۸۹)، ص ۱۸۷.

۶۵ مصطفی‌السان، پیشین، ص ۲۸۰.

66. Jonathan Hill, *Ibid*, p. 525; Alain Hirsch, "The Place of Arbitration and the Lex Arbitri", *Dispute Resolution Journal*, Vol. 34, No. 3 (1979), p. 46.

بعضی^{۶۷}، کشور محل دادگاه صالح را مقر داور می‌دانند. با این توضیح که ممکن است طرفین در موافقت‌نامه داور، شرط صلاحیت قضایی جهت نظارت دادگاه کشوری خاص بر داور را درج کنند. در این صورت، بهتر است با توجه به اشراف بیشتر دادگاه بر مقرات کشور خود و به جهت جلوگیری از ناهماهنگی میان مقام رسیدگی‌کننده و قوانین مورد استناد وی، دادگاه صالح و مقر داور به نظام حقوقی واحد متعلق باشند.

گروهی از نویسندگان^{۶۸}، مناسب بودن مقرات مقر داور در خصوص استفاده از ابزار الکترونیکی در داور را به‌عنوان مهم‌ترین معیار تعیین مقر داور برخط تلقی نموده‌اند. معیارهای مناسب بودن مقرات مقر داور عبارت‌اند از: الحاق به کنوانسیون نیویورک یا معاهدات مربوط به اجرای رأی داور^{۶۹}، عدم سکوت قوانین کشور مقر در خصوص موضوع دعوی داور، عدم تعلق مقر داور به کشور متبوع یا اقامتگاه هیچ‌یک از طرفین دعوی در صورت متفاوت بودن تابعیت یا اقامتگاه آنها^{۷۰}، محدودیت موارد ابطال رأی داور در قوانین مقر داور^{۷۱}، احترام قوانین مقر داور به اراده طرفین دعوا در داور^{۷۲} و پذیرش داور برخط در آن نظام حقوقی. در مورد معیار پیش گفته باید توجه داشت که وفق پاراگراف «ت» از بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک، یکی از موانع اجرای رأی داور این است که تشریفات داور با قوانین مقر داور مطابقت نداشته باشد. بنابراین، در صورت عدم پذیرش داور برخط در قواعد قانونی کشور مقر داور، دادگاه اجراکننده رأی داور می‌تواند از اجرای

67. Jonathan Hill, *Ibid*, p. 525.

68. Slavomir Halla, *Ibid*, p. 220-221; UNCITRAL, "UNCITRAL Notes on Organizing Arbitral Proceedings", Available at: <https://uncitral.un.org/en/texts/arbitration> (2016), p. 11-12; Faye Fangfei Wang, *Ibid*, p. 102-102.

۶۹. عبدالحسین شیروی، *داوری تجاری بین‌المللی*، (تهران: سمت، چ ۳، ۱۳۹۳)، ص ۲۰۰؛ زهرا توکلی و مهشید سادات طباطبائی، پیشین، ص ۱۱۱؛ عباس میرشکاری و محسن سلیمی، پیشین، ص ۷۵.

Nicolas De Witt, "Online International Arbitration: Nine Issues Crucial to Its Success", *The American Review of International Arbitration*, Vol. 12 (2001), p. 451; Harriham Haloush, *Ibid*, p. 1139; Karen Sewart; Joseph, Matthews, "Online Arbitration Of Cross-border, Business to Consumer Disputes", *University of Miami Law Review*, Vol. 56, (2010), p. 1139; United Nations Commission on International Trade Law, *Ibid*, p. 460; Armağan Yüksel; Bozkurt, Ebru, *Ibid*, p. 88.

70. Alexander Bělohávek, *Ibid*, p. 10.

۷۱. فیض‌الله جعفری، پیشین، ص ۳۲.

Martin Gusy; James, Hosking, *A Guide to the ICDR International Arbitration Rules*, (London, Oxford University Press, 2011), p. 142-143.

72. Alexande, Bělohávek, *Ibid*, p. 11-12; Jason, Fry, *Ibid*, p. 394.

رأی داورى برابر مقررات کنوانسیون نیویورک امتناع کند.^{۷۳}

در حقوق ایران نیز چنین معیاری ذکر شده است. برابر بند ۱ ماده ۲۰ قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران، «در صورت عدم توافق، محل داورى با توجه به اوضاع و احوال دعوا و سهولت دسترسی طرفین، از سوى «داور» تعیین می‌شود».

یکی از روش‌های تعیین مقر داورى برخط، استفاده از هوش مصنوعی است. با این توضیح که در برخی سازمان‌های داورى^{۷۴} «سامانه تنظیم‌کننده شروط»^{۷۵} وجود دارد که بندهای توافق‌نامه داورى را برای کمک به طرفین دعوا و با توجه به اطلاعات موجود تنظیم می‌کند و توافق‌نامه داورى که به صورت خودکار از سوى سامانه یادشده تنظیم می‌شود، دارای بندی درباره مقر داورى است. این امکان وجود دارد که از سامانه نامبرده به‌طور مستقل برای تعیین مقر داورى استفاده شود.^{۷۶}

در مجموع، باید توجه داشت علت ذکر تمامی معیارهای یادشده، یافتن روشی جهت احراز اراده ضمنی طرفین دعواست. برای ارائه معیاری واحد که تمامی ملاحظات را دربر داشته باشد، می‌توان نحوه تعیین مقر داورى در فرض عدم توافق طرفین را در سه مرحله مطرح نمود:

الف) در مرحله اول، داور باید مقرى را برای داورى برخط تعیین نماید که از لحاظ حقوقی مناسب روش حل اختلاف یادشده باشد، زیرا قطعاً قصد مشترک طرفین (که ممکن است در آینده محکوم‌له رأی داورى باشند) در زمان ارجاع دعوا به داورى، این است که رأی داورى صادره در اکثر موارد اجرا شود و از سوى دادگاه‌های مقر داورى ابطال نگردد و تا جایی که ممکن است رأی داورى صادره معتبر و قابل اجرا باقی بماند.

ب) در فرض نبود امکان اجرای معیار قبلی به دلیل عدم ترجیح قوانین مرتبط از لحاظ سازگاری با دعوای داورى، بهتر است برای تعیین قانون مقر داورى، به معیارهای یکسان

۷۳. مصطفی‌السان، پیشین، ص ۲۷۸-۲۷۹.

74. Arbitration Association (AAA) and the International Centre for Dispute Resolution (ICDR)

75. ClauseBuilder

76. UNCITRAL, *Ibid*, p.12; Faye Fangfei Wang, *Online Arbitration*, (New York: Informa Law from Routledge, 2018), p. 102.

بودن قانون حاکم بر مسائل شکلی و مقر داوری و هماهنگی میان دادگاه صالح و مقررات مقر داوری توجه شود.

ج) در صورت امکان پذیر نبودن اجرای معیار قبلی به دلیل عدم تعیین قانون شکلی حاکم یا دادگاه صالح از سوی طرفین دعوا، داور می‌تواند به صلاحدید خود مقر را انتخاب نماید. اطلاق قوانین و مقررات داوری بیانگر آن است که این فرض وجود دارد که در صورت عدم تعیین مقر از سوی طرفین دعوا، اراده‌ی ضمنی آنها تعیین مقر داوری از جانب داور است، زیرا طرفین دعوا تا حدی به داور اعتماد دارند که تعیین نهایی نتیجه‌ی دعوا را به وی سپرده‌اند و به طریق اولی تعیین مقر از طرف داور نیز مورد پذیرش اشخاص یادشده قرار دارد.

در خصوص رویکرد حقوق ایران نیز باید بیان داشت که در بند ۱ ماده ۲۰ قانون داوری تجاری بین‌المللی عنوان شده است که «داوری در محل مورد توافق طرفین انجام می‌شود. در صورت عدم توافق، محل داوری با توجه به اوضاع و احوال دعوا و سهولت دسترسی طرفین، از طرف «داور» تعیین می‌شود». لذا همان‌طور که مشخص است، تعیین مقر در داوری ابتدا از سوی طرفین دعوا و در صورت فقدان توافق طرفین، از جانب داور تعیین می‌شود. با توجه به عدم اختصاص قانون یادشده به داوری‌های سنتی و با در نظر گرفتن به رسمیت شناختن استفاده از ارتباطات الکترونیکی وفق بند «الف» ماده ۲ قانون تجارت الکترونیکی، به صورت کلی به نظر می‌رسد رویکرد بند ۱ ماده ۲۰ قانون داوری تجاری بین‌المللی، در مورد داوری‌های برخط نیز قابل اعمال است.

۴. تعیین مقر در مذاکره برخط

طرفین اختلاف می‌توانند از طریق ابزار الکترونیکی و در فضای مجازی با یکدیگر مذاکره نمایند. از این جهت و به دلیل تعیین نتیجه‌ی دعوا از سوی طرفین، میانجیگری و مذاکره شباهت زیادی با یکدیگر دارند. تنها تفاوت این دو روش حل اختلاف در آن است که در میانجیگری شخص ثالثی به نام میانجی در مذاکرات حضور دارد و تلاش می‌کند با ارائه‌ی راهنمایی و کنترل جلسات، احتمال حصول سازش را بالاتر ببرد. به همین دلیل، برخی

نویسندگان، میانجیگری را مذاکره‌ای با کمک شخص ثالث موسوم به میانجی می‌دانند.^{۷۷}

انعقاد سازش‌نامه و حصول توافق ممکن است در اثر مذاکره طرفین دعوا (مذاکره) یا در اثر مذاکره طرفین دعوا با دخالت میانجی (میانجیگری) انجام شود. قاعداً به دلیل نقش اساسی طرفین دعوا در هر دو روش حل اختلاف، نباید تفاوتی میان احکام و آثار حقوقی آنها وجود داشته باشد. با این حال، کنوانسیون سنگاپور به صراحت فقط از سازش‌نامه‌های ناشی از فرایند میانجیگری حمایت کرده است. لذا وفق معاهده یادشده، سازش‌نامه باید در نتیجه فرایند میانجیگری منعقد شده باشد و باید مدارک یا مستنداتی برای اثبات دخالت میانجی در فرایند سازش ارائه گردد.^{۷۸} علت اتخاذ رویکرد پیش‌گفته آن است که اثر اصلی کنوانسیون سنگاپور ایجاد امکان اجرای اجباری مفاد سازش‌نامه است و سازش‌نامه‌های دارای وصف لازم‌الاجرا باید محدود باشند. لذا به دلیل امکان تبانی طرفین در مذاکره بدون دخالت میانجی علیه حقوق اشخاص ثالث، فقط سازش‌نامه‌های ناشی از فرایند میانجیگری در محدوده کنوانسیون قرار می‌گیرند. لذا متقاضی اجرای سازش‌نامه باید وفق پاراگراف «ب» از بند ۱ ماده ۴، اثبات نماید که سازش‌نامه ناشی از میانجیگری بوده است.^{۷۹}

در فرایند میانجیگری تاحدی نیاز به حمایت قانونی کشور مقر میانجیگری بابت مسائلی از قبیل تأیید صلاحیت میانجی و احراز داشتن مجوزهای لازم از سوی میانجی وجود دارد، اما با این حال، کنوانسیون سنگاپور مفهوم مقر را در میانجیگری سنتی و برخط پیش‌بینی نکرده است. به طریق اولی در مذاکره نیز به دلیل عدم دخالت ثالث، نیازی به تعیین مقر مذاکره وجود ندارد. لذا مقر مذاکره برخط به دلیل ذات غیررسمی و کاملاً توافقی این روش حل اختلاف اهمیت چندانی نداشته، ضرورتی ندارد مقررات کشور مقر بر فرایند مذاکره

77. Gabrielle Kaufmann-Kohler; Thomas, Schultz, *Ibid*, p. 14; Linda Brannack, "Resolving Disputes Between Physicians & Nurses: How to Get the Most from ADR in the Health Care Industry", *Journal Dispute Resolution*, Vol. 56, No. 2 (2001), p. 46; Sarah Cole; Kristen, M. Blankley, "Online Mediation: Where We Have Been, Where We Are Now, and Where We Should Be", *University of Toledo Law Review*, Vol. 38, No. 1 (2006), p. 194, Donna Shestowsky "Procedural Preferences in Alternative Dispute Resolution: A Closer, Modern Look at an Old Idea", *Psychology, Public Policy, and Law*, Vol. 10 (2004), p. 211; Gerald R Williams, "Negotiation as a Healing Process", *Journal of Dispute Resolution*, Vol. 1996, Issue 1 (1996), p. 10.

78. Natalie Y Morris-Sharma, *Ibid*, p. 499.

79. Timothy Schnabel, *Ibid*, p. 18.

تحمیل شود. در مجموع، از آنجا که در میانجیگری برخط به دلیل فقدان تأثیر حقوقی مقر، تعیین آن ضروری نیست، در مذاکره برخط نیز باید موضع مشابهی اتخاذ شود.

نتیجه

اینترنت و فضای مجازی تمامی شئون زندگی انسانی را متحول کرده است و عالم حقوق و مخصوصاً حل و فصل اختلافات نیز از این حیث مستثنی نیست. روش‌های برخط حل اختلاف به دلیل اجرای فرایند آنها در فضای اینترنت، اقتضائات خاصی دارد که دشواری تعیین مقر حل اختلاف یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های یادشده است. از این حیث، اگر در روش‌های برخط حل اختلاف، طرفین دعوا مقر را انتخاب نموده باشند، وفق نظریه مکان‌زدایی، مقر انتخابی معتبر بوده، همان آثار موجود در شیوه‌های سنتی حل اختلاف را دارد. اما در صورت فقدان انتخاب مقر از سوی طرفین، معیار تعیین مقر در روش‌های برخط حل اختلاف محل تردید خواهد بود.

در داوری، مقر، دارای آثار حقوقی بسیار مهمی است و طبیعتاً در داوری برخط نیز باید مقر داوری مشخص شود. در صورت عدم توافق طرفین داوری، داور می‌تواند بر اساس معیارهای مناسب بودن مقر از لحاظ حقوقی، قانون شکلی حاکم و دادگاه صالح انتخابی، مقر داوری را انتخاب نماید. در مقابل در میانجیگری و مذاکره، تعیین مقر فاقد آثار حقوقی مهمی است و تمامی آثاری که مقررات قانونی کشور مقر داوری آنها را مشخص می‌کند، در میانجیگری و مذاکره از سوی دادگاه کشور اجراکننده سند حل اختلاف تعیین می‌شود و لذا ضرورتی برای تعیین مقر وجود ندارد.

در مجموع، وضع قوانین و مقرراتی جامع در خصوص روش‌های برخط حل اختلاف در عرصه بین‌المللی و داخلی می‌تواند با ارائه معیاری واحد در خصوص جنبه‌های مبهم این روش‌های حل اختلاف مانند مقر، با افزایش اعتماد طرفین و پیش‌بینی‌پذیری، باعث توسعه بیشتر استفاده از این روش‌ها برای حل دعاوی گردد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- کتاب‌ها

۱. السان، مصطفی، *حقوق تجارت الکترونیکی*، (تهران: سمت، چ ۶، ۱۳۹۹).
۲. حبیب‌زاده، طاهر، *حقوق فناوری اطلاعات حقوق قراردادها در گستره قراردادهای الکترونیک (مطالعه تطبیقی)*، چ ۲، (تهران: دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چ ۱، ۱۳۹۰).
۳. شیروی، عبدالحسین، *داوری تجاری بین‌المللی*، (تهران: سمت، چ ۳، ۱۳۹۳).
۴. قربانوند، محمدباقر، *حقوق تجارت الکترونیک*، (تهران: انتشارات جاودانه (جنگل)، چ ۱، ۱۳۸۹).
۵. قنبری، علیرضا، *حقوق تجارت الکترونیک*، (تهران: انتشارات جاودانه (جنگل)، چ ۱، ۱۳۹۳).
۶. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی اعمال حقوقی*، (تهران: شرکت انتشار، چ ۲، ۱۳۷۱).
۷. کاتوزیان، ناصر، *قواعد عمومی قراردادها*، چ ۱، (تهران: انتشارات مجد، چ ۲، ۱۳۸۲).
۸. نوری، محمدعلی و نخجوانی، رضا، *حقوق تجارت الکترونیکی*، (تهران: انتشارات گنج دانش، چ ۱، ۱۳۸۲).

- مقاله‌ها

۹. بدری‌زاده، سیما و توسلی نائینی، منوچهر، «شناسایی و اجرای آراء داوری تجاری بین‌المللی صادره در فضای مجازی»، *فصلنامه علمی حقوق تطبیقی*، ش ۲۱ (۱۳۹۰).
۱۰. بنی‌یعقوب، سمیه؛ کریمی، عباس؛ شهبازی‌نیا، مرتضی، «بررسی حقوقی داوری آنلاین در قراردادهای الکترونیکی»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، ش ۴۳ (۱۳۹۸).
۱۱. بهمنی، محمدعلی و محمدی، محمدمین، «چالش‌های فرایند و تشریفات داوری برخط در مقایسه با داوری عادی»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ش ۹۱ (۱۳۹۹).
۱۲. توکلی، زهرا و طبائی، مهشید سادات، «اعتبار حقوقی داوری اینترنتی در تجارت بین‌المللی»، *تحقیقات حقوقی آزاد*، ش ۲۸ (۱۳۹۴).
۱۳. السان، مصطفی، «جنبه‌های حقوقی داوری آن‌لاین»، *فصلنامه علمی حقوق تطبیقی*، ش ۱۱ (۱۳۸۵).

۱۴. مافی، همایون و کاویار، حسین، «بررسی تطبیقی قانون حاکم بر قراردادهای الکترونیکی منعقد در محیط اینترنت از منظر نظام‌های حقوقی امریکا، اتحادیه اروپا و ایران»، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، ش ۱ (۱۳۹۲).
۱۵. محمدی نژاد، سمیرا؛ غریبه، علی؛ پاشازاده، حسن، «محدودیت‌های آزادی اراده طرفین در تعیین قانون حاکم بر آیین داورى تجارى بین‌المللى»، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۲۴ (۱۴۰۰).
۱۶. معبودی نیشابوری، رضا و رضایی، سید علیرضا، «چالش‌های حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌های منعکس در رأی داورى با مطالعه تطبیقی در کنوانسیون سنگاپور ۲۰۱۹»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۲۳ (۱۴۰۰).
۱۷. معبودی، رضا و رضائی، سید علیرضا، «رویکرد کنوانسیون سنگاپور ۲۰۱۹ و نظام حقوقی ایران در مورد چالش‌های سازش‌نامه‌های حاصل از میانجیگری تجاری بین‌المللی»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ش ۲ (۱۳۹۹).
۱۸. میرشکاری، عباس و سلیمی، محسن، «درآمدی بر روش‌های آنلاین حل اختلاف ODR»، *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ش ۳۹ (۱۳۹۸).
- پایان‌نامه‌ها
۱۹. ابوترابی زارچی، محمد، *داوری بر خط و مسائل حقوقی آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۸۶).
۲۰. توکلی، زهرا، *رژیم حقوقی داورى برخط*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی (۱۳۸۹).
۲۱. جعفری، فیض‌الله، *جایگاه مقر در داورى تجارى بین‌المللى*، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۸۹).

ب) منابع انگلیسی

- Books

22. Gary, Born, *International Arbitration: Cases and Materials*, (New York: Wolters Kluwer Law & Business, 2015).
23. Gusy, Martin; Hosking, James, *A Guide to the ICDR International Arbitration Rules*, (London, Oxford University Press, 2011).
24. Kaufmann-Kohler, Gabrielle; Schultz, Thomas, *Online Dispute Resolution - Challenges for Contemporary Justice*, (Netherlands: Kluwer Law International, 2004).

25. Lynch, Katherine, *The Forces of Economic Globalization: Challenges to the Regime of International Commercial Arbitration*, (The Hague: Kluwer Law International, 2003).
26. Wahab, Mohamed S. Abdel; Katsh, Ethan; Rainey, Daniel, *Online Dispute Resolution: Theory and Practice*, (Netherlands: Eleven International Publishing, 2012).
27. Wang, Faye Fangfei, *Online Arbitration*, (New York: Informa Law from Routledge, 2018).
28. Zheng, Jie, *Online Resolution of E-commerce Disputes Perspectives from the European Union, the UK, and China*, (Shanghai: Springer, 2020).

- Articles

29. Arsic, Jasna, "International Commercial Arbitration on the Internet: Has the Future Come Too Early?", *Journal of International Arbitration*, Vol. 14, No. 3 (1997).
30. Bělohlávek, Alexander, "Importance of the Seat of Arbitration in International Arbitration: Delocalization and Denationalization of Arbitration as an Outdated Myth", *ASA Bulletin*, Vol. 31, Issue 2 (2013).
31. Brannack, Linda, "Resolving Disputes Between Physicians & Nurses: How to Get the Most from ADR in the Health Care Industry", *Journal Dispute Resolution*, Vol. 56, No. 2 (2001).
32. Cole, Sarah; Blankley, Kristen. M, "Online Mediation: Where We have been, Where We are Now, and Where We Should be", *University of Toledo Law Review*, Vol. 38, No. 1 (2006).
33. De Ly, Filipe, "The Place of Arbitrator in the Conflict of Law of International Commercial Arbitration: An Exercise in Arbitration Planning", *International Law and Business*, Vol. 12, No 48 (1991).
34. De Witt, Nicolas, "Online International Arbitration: Nine Issues Crucial to Its Success", *The American Review of International Arbitration*, Vol. 12 (2001).
35. Fry, Jason, "Arbitration and Promotion of Economic Growth and Investment", *European Journal of Law Reform*, Vol. 13, (2011).
36. Gibbons, Llewellyn. J; Kennedy, Robin. M; Gibbs, J. Michael, "Cyber-Mediation: Computer-Mediated Communications Medium Massaging the Message", *New Mexico Law Review*, Vol. 32, No. 1 (2002).

37. Halla, Slavomir, "Arbitration Going Online - New Challenges in 21st Century?", *Masaryk University Journal of Law and Technology*, Vol. 5 (2011).
38. Haloush, Harriham, "Jurisdictional Dilemma in Online Disputes: Rethinking Traditional Approaches", *The International Lawyer*, Vol. 42 (2008).
39. Hill, Jonathan, "Determining the Seat of an International Arbitration: Party Autonomy and the Interpretation of Arbitration Agreements", *International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 63, Issue 03 (2014).
40. Hirsch, Alain, "The Place of Arbitration and the Lex Arbitri", *Dispute Resolution Journal*, Vol. 34, No. 3 (1979).
41. Joseph, Cassondra E., "The Scope of Mediator Immunity: When Mediators Can Invoke Absolute Immunity", *Ohio State Journal on Dispute Resolution*, Vol. 12 (1997).
42. Morris-Sharma, Natalie Y, "Constructing the Convention on Mediation the Chairperson's Perspective", *Singapore Academy of Law Journal*, Vol. 31 (2019).
43. Schellekens, Maurice. H. M, "Online Arbitration and E-commerce", *Electronic Communication Law Review*, Vol. 9, No. 2 (2002).
44. Schnabel, Timothy, "The Singapore Convention on Mediation: Framework for the Cross-Border Recognition and Enforcement of Mediated Settlements", *Pepperdine Dispute Resolution Law Journal*, Vol. 19 (2019).
45. Sewart, Karen; Matthews, Joseph, "Online Arbitration of Cross-Border, Business to Consumer Disputes", *University of Miami Law Review*, Vol. 56, (2010).
46. Shestowsky, Donna, "Procedural Preferences in Alternative Dispute Resolution: A Closer, Modern Look at an Old Idea", *Psychology, Public Policy, and Law*, Vol. 10 (2004)
47. Terekhov, Victor, "Online Mediation: A Game Changer or Much Abo about Nothing", *Access to Justice in Eastern Europe*, Vol. 2, No. 3 (2019).
48. Tiffany, Lanier, "Where on Earth Does Cyber-Arbitration Occur?: International Review of Arbitral Awards Rendered Online", *Ilsa Journal of International & Comparative Law*, Vol. 7 (2000).

49. United Nations Commission on International Trade Law, "Online Dispute Resolution. United Nations Commission on International" *Trade Law Yearbook*, Vol. 44 (2013).
 50. Yu, Hong-lin; Nasir, Motassem, "Can Online Arbitration Exist within the Traditional Arbitration Framework?", *Journal of International Arbitration*, Vol. 20, Issue 5 (2003).
 51. Yüksel, Armağan; Ebru Bozkurt; "Online International Arbitration", *Ankara Law Review*, Vol. 4, No. 1 (2007).
 52. Manevy, Isabelle, "Online Dispute Resolution What Future?", Available at: lthoumyre.chez.com/uni/mem/1 (2001).
- Websites**
53. Morek, Rafal, "Online Arbitration :Admissibility Within the Current Legal Framework", Available at: <https://www.academia.edu/30536877> (2012).
 54. Philippe, Mirèze, "Hypochondria About the Place of Arbitration in Online Proceedings", Available at: arbitrationblog.kluwerarbitration.com (2015).
 55. UNCITRAL, "UNCITRAL Notes on Organizing Arbitral Proceedings", Available at: <https://uncitral.un.org/en/texts/arbitration> (2016).
 56. Wilikens, Marc Andre; Vahrenwald, Arnold; Morris, Philip, "Out-of-Court Dispute Settlement Systems for e-Commerce. Report on an Exploratory Study", Available at: <https://publications.jrc.ec.europa.eu/repository/handle/JRC20538> (2000).